اختصاصی خراسان

در بازسازی صحنه جنایت رخ داد

شارلاتان بازی «دُره کش اجاره‌ای»

سجاد پور - شایعه فرار یک زن با مردی که سال ها قبل خواستگارش بود، در حالی به جنایتی هولناک انجامید که «دُره کش اجاره ای» پس از دستگیری به تشریح جزئیات و ماجرای قتل در خیابان سی و یکم مشهد پرداخت اما هنگام بازسازی صحنه جنایت در حضور قاضی ویژه قتل عمد، دست به شارلاتان بازی نخ نما زد و در تناقض گویی آشکار، حضورش در مشهد را نیز انکار کرد!

به گزارش اختصاصی خراسان، ساعت ۲ بعدازظهر یک‌شنبه بیست‌وهفتم‌مردادگذشته ناگهان فریادهای دلخراش مرد ۴۲ ساله‌ای که در حال گریز از چنگ مهاجمان نقابدار بود، آرامش اهالی خیابان شهید علیمردانی ۳۱ را به هم ریخت! دو جوان که شیء برنده‌ای شبیه داس خنجری را بر سر چماق بسته بودند (دُره) به دنبال مردی می دویدند که وحشت زده در حال فرار بود. تعدادی از اهالی محل که بیشتر آن‌ها زن بودند با شنیدن جیغ و فریادهای هولناک، از خانه‌هایشان بیرون آمدند و حیرت زده چشم به صحنه‌ای مرگبار دوختند! مرد ۴۲ ساله که دیگر پاهایش توان فرار را از دست داده بود، در یک لحظه به زمین افتاد که در همین فاصله مهاجمان نقابدار به او رسیدند و ضربات مهلک «چماق نیزه گونه» و «دره» را بی رحمانه بر نقاط مختلف پیکر وی وارد آوردند.

گزارش ها حاکی است، با تجمع اهالی محل و تماس با پلیس ۱۱۰، دو مهاجم سنگدل، پیکر غرق در خون مرد ۴۲ ساله را رها کردند و سوار بر یک دستگاه پراید ۱۱۱ سفید رنگ از صحنه حادثه گریختند. دقایقی بعد نیروهای امدادی اورژانس، مرد مجروح را در حالی به بیمارستان شهید هاشمی نژاد انتقال دادند که او آخرین نفس هایش را می کشید.

همزمان با انتقال مجروح این حادثه تاسف بار به مرکز درمانی، تحقیقات نیروهای اطلاعات و تجسس کلانتری ۲۴ میرزا کوچک‌خان مشهد نیز در محل وقوع حادثه آغاز شد اما ساعتی بعد خبر مرگ مرد ۴۲ ساله در بیسیم های پلیس پیچید و این گونه پرونده جنایی دیگری روی میز قاضی ویژه قتل عمد مشهد گشوده شد.

قاضی «علی اکبر احمدی نژاد» با صدور دستورات تلفنی برای ردزنی پراید ۱۱۱ و حفظ صحنه جرم توسط نیروهای انتظامی، خود نیز عازم خیابان سی و یکم شد و پس از بررسی های میدانی و تحقیقات مقدماتی، موارد محرمانه‌ای را برای کشف جرم به نیروهای انتظامی یادآوری کرد.

از سوی دیگر نیز با توجه به اهمیت و حساسیت ماجرا و همچنین فرار عاملان جنایت، گروه ویژه‌ای از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی ماموریگیری این پرونده جنایی شدند تا با استفاده از رصدهای اطلاعاتی و بازبینی دوربین های مدار بسته، برای شناسایی عاملان قتل در خیابان سی و یکم اقدام کنند.

این در حالی بود که قاضی احمدی نژاد با مشاهده جسد مرد ۴۲ ساله که «سیدمهدی-ح» نام داشت بلافاصله او را شناخت چرا که او و برخی از بستگانش به دلیل اختلافات خاص خانوادگی پرونده‌ای در دادسرای مشهد در حال رسیدگی داشتند.

این گونه بود که عاملان این جنایت وحشتناک شناسایی شدند و با دستگیری چند نفر از افراد مرتبط با این پرونده جنایی، سرنخ های اصلی به شهرستان سرخس کشید. چرا که قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب در حال رسیدگی به پرونده ادعای فرار زن ۳۵ ساله با خواستگار سابقش بودو «مهدی-ح» (مقتول) با اعلام شکایت خانواده زن جوان به شعبه بازپرس احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود. خانواده زن جوان مدعی بودند که «مهدی- ح» (برادر خواستگار فراری) از ماجرای فرار برادرش اطلاع دارد و می داند که آن ها به کدام شهر گریخته اند و اکنون قاضی احمدی نژاد یقین داشت که ماجرای این جنایت وحشتناک به ادعای فرار زن و مرد عاشق پیشه گره می خورد! بنابراین قاضی ویژه قتل عمد بلافاصله دستور دستگیری افرادی را صادر کرد که مرتبط با پرونده فرار زن ۳۵ ساله و مرد ۴۵ ساله بودند.

متهم پرونده هنگام شارلاتان بازی نخ نما در حضور قاضی احمدی نژاد

دقیق و شبانه روزی کارآگاهان با نظارت مستقیم سرهنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس اداره جنایی آگاهی) به ردپای «مرد اجاره‌ای» رسید. یکی از متهمان دستگیر شده در اعترافات خود از جوان ۳۳ ساله‌ای به نام «کاظم-آ» سخن گفت که روز جنایت «دُره» به دست داشت.

(«دُره» یکی از ادوات کشاورزی شبیه داس و خنجر گونه است که بر سر چماقی بلند نصب می شود) با صدور دستوری ویژه از سوی قاضی احمدی نژاد بلافاصله کارآگاهان به سرپرستی سرهنگ علی بهرامزاده (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) به تحقیق در این باره پرداختند و مشخص شد که «کاظم-آ» به یکی از روستاهای مرزی شهرستان سرخس گریخته است بنابراین با هماهنگی های قضایی و انتظامی، گروهی از مرزبانان سرخس در یک عملیات غافلگیرانه «کاظم-آ» را دستگیر کردند و به مشهد انتقال دادند. این جوان ۳۳ ساله که روز حادثه نقاب به چهره داشت و احتمال نمی داد به همین راحتی در چنگ قانون گرفتار شود، در اعترافاتی هولناک به قاضی ویژه قتل عمد مشهد گفت: خانواده زن جوانی که ادعا می شود گم شده است نزد من آمدند و من با برادر آن زن جوان آشنا بودم. آن ها به من گفتند موضوع ناموسی است و می خواهیم مردی را ادب کنیم! آن ها به من قول دادند که زمین و آب کشاورزی و پول بدهند! به همین دلیل من با آن ها همراه شدم تا این که صبح روز حادثه من و ولی (برادر زن جوان) در حالی که نقاب داشتیم سوار بر پرایدی شدیم که راننده‌گی آن را جوانی به نام «محسن» (۲۷ ساله) به عهده داشت.

از قبل رفت و آمدهای «مهدی» (مقتول) را شناسایی کرده بودند. به همین خاطر من و ولی به عنوان مسافر عقب پراید نشستیم تا کسی مشکوک نشود و قتی مهدی از منزلش بیرون آمد او را تعقیب کردیم تا این که در اطراف میدان میرزا کوچک خان مشهد توقف کرد. در این هنگام محسن با خودرو جلوی پراید مهدی پیچید و او از ترس پیاده فرار کرد. من و ولی در حالی که من «دُره» داشتم و او هم «گرزی نیزه گونه» را در دست می فشرد به دنبالش دویدیم و در خیابان شهید علیمردانی ۳۱ به او حمله کردیم و سپس سوار بر پراید از آن جا گریختیم.

بعد از آن هم به منزل یکی از بستگان ولی رفتیم و لباس های خون آلود را عوض کردیم. «دُره» و چماق گرزی داشتیم و به صاحبخانه گفتیم دعوا کرده ایم! روز بعد هم به همراه ولی به سرخس رفتیم که ابتدا راننده مسافر بر در ایستگاه سرخس با دیدن «گرز» و «دُره» ترسید و فرار کرد اما دوباره با واسطه دیگر رانندگان که ولی را می شناختند بازگشت و ما را به سرخس رساند.

گزارش خراسان حاکی است، اعترافات متهم اصلی پرونده نزد قاضی احمدی نژاد به جزئیات ماجرا رسید و او همه آن چه را رخ داده بود با همه جزئیات نقشه جنایت در حالی تشریح کرد که با اظهارات شاهدان و دیگر متهمان مرتبط با این پرونده جنایی مطابقت داشت تا این که مدتی بعد و به دستور قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، «کاظم.آ» برای بازسازی صحنه قتل توسط کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به اطراف میدان میرزا کوچک خان (محل جنایت) هدایت شد تا چگونگی وقوع این حادثه وحشتناک را به طور عملی بازسازی کند اما او که تازه فهمیده بود در چه مخمصه هولناکی گرفتار شده است لحظه ای که از خودروی پلیس پیاده شد و چشمش به قاضی ویژه قتل عمد افتاد بلافاصله دست به شارلاتان بازی زد و در حالی که سعی می کرد با فریادهایش ماجرا را به گونه دیگری جلوه دهد خطاب به مقام قضایی گفت: چرا مرا این جا آورده اید! مگر من چه کار کرده ام! اگر من قاتلم پس دیگران این جا چه کار می کنند؟!

بنابر گزارش خراسان، قاضی احمدی نژاد که با خونسردی به سخنان متهم گوش می داد ضمن تفهیم ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری از وی خواست هر آن چه را فکر می کند به نفعش است در کمال آرامش و آزادی کامل بیان کند اما مقام قضایی در عین حال افزود: فقط مواظب اظهارات خودباش چرا که این اظهارات در مراحل دادرسی مورد استناد قضایی قرار می گیرد اما متهم به قتل زمانی که مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد گفت: من آن روز حتی در مشهد نبودم! هر آن چه هم قبلا اعتراف کرده ام دروغ است چرا که من فریب خوردم، دوستم و خانواده اش مرا فریب دادند آن ها به من پیشنهاد کردند که پول و زمین داشتیم و به صاحبخانه گفتیم دعوا کرده ایم! روز بعد هم به همراه ولی به سرخس رفتیم که ابتدا راننده مسافر بر در ایستگاه سرخس با دیدن «گرز» و «دُره» ترسید و فرار کرد اما دوباره با واسطه دیگر رانندگان که ولی را می شناختند بازگشت و ما را به سرخس رساند.

عکس ها اختصاصی از میثم دهقانی

گزارش خراسان حاکی است، اعترافات متهم اصلی پرونده نزد قاضی احمدی نژاد به جزئیات ماجرا رسید و او همه آن چه را رخ داده بود با همه جزئیات نقشه جنایت در حالی تشریح کرد که با اظهارات شاهدان و دیگر متهمان مرتبط با این پرونده جنایی مطابقت داشت تا این که مدتی بعد و به دستور قاضی شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، «کاظم.آ» برای بازسازی صحنه قتل توسط کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی به اطراف میدان میرزا کوچک خان (محل جنایت) هدایت شد تا چگونگی وقوع این حادثه وحشتناک را به طور عملی بازسازی کند اما او که تازه فهمیده بود در چه مخمصه هولناکی گرفتار شده است لحظه ای که از خودروی پلیس پیاده شد و چشمش به قاضی ویژه قتل عمد افتاد بلافاصله دست به شارلاتان بازی زد و در حالی که سعی می کرد با فریادهایش ماجرا را به گونه دیگری جلوه دهد خطاب به مقام قضایی گفت: چرا مرا این جا آورده اید! مگر من چه کار کرده ام! اگر من قاتلم پس دیگران این جا چه کار می کنند؟!

بنابر گزارش خراسان، قاضی احمدی نژاد که با خونسردی به سخنان متهم گوش می داد ضمن تفهیم ماده ۱۹۵ قانون آیین دادرسی کیفری از وی خواست هر آن چه را فکر می کند به نفعش است در کمال آرامش و آزادی کامل بیان کند اما مقام قضایی در عین حال افزود: فقط مواظب اظهارات خودباش چرا که این اظهارات در مراحل دادرسی مورد استناد قضایی قرار می گیرد اما متهم به قتل زمانی که مقابل دوربین قوه قضاییه ایستاد گفت: من آن روز حتی در مشهد نبودم! هر آن چه هم قبلا اعتراف کرده ام دروغ است چرا که من فریب خوردم، دوستم و خانواده اش مرا فریب دادند آن ها به من پیشنهاد کردند که پول و زمین کشاورزی بگیرم و این جنایت را عهده دار شوم! من هم ابتدا پذیرفتم ولی بعد در زندان فهمیدم که اشتباه کرده ام! من در این قتل هیچ نقشی نداشتم و فقط حرف هایی را که به من دیکته کرده بودند در اعترافات قبلی گفتم!

در این هنگام قاضی احمدی نژاد از متهم پرسید اما همه شهود، تصاویر دوربین های مدار بسته و برخی مستندات انکارناپذیر قضایی، ردیابی تلفن همراه و... نشان می دهد که شما در صحنه جنایت بودید، این طور نیست؟ متهم پاسخ داد: به زور می خواهید بگویید من قاتلم؟! من اصلا خبر ندارم! هیچ چیز نمی دانم فقط فریب خوردم! قاضی احمدی نژاد سوال کرد اگر خانواده ات بگویند شما روز حادثه در مشهد بودی قبول داری؟ در این هنگام متهم با فریادهای وحشتناک دستانش را بالا برد و گفت: اگر از همسرم سوال کنید من اجازه نمی دهم! در آن صورت ۱۰ قتل دیگر را هم گردن می گیرم! چرا باید همسرم بگوید که من کجا بوده ام؟!

به گزارش اختصاصی خراسان، متهم در حالی با شارلاتان بازی و فریادهای نخ نما سعی در انکار جرم داشت که مقام قضایی خطاب به او گفت: نیازی به فریاد نیست مگر قبلا آن چه را اعتراف کرده ای به زور بوده است؟ متهم گفت نه! ولی من فریب خورده بودم! قاضی ادامه داد: اکنون نیز در کمال آرامش و آزادی می توانی حرف هایت را بگویی! پس نیازی به فریاد نیست! متهم ادامه داد: ولی من می گویم قتل را دیگران انجام داده اند و من به خاطر این که تطمیع شده بودم آن را به گردن گرفتم! در این هنگام قاضی گفت: همکاری شما و بیان حقیقت از نظر قانونی تخفیف مجازات از سوی دادگاه را در پی دارد اما متهم باز هم حرف های قبلی خود را تکرار کرد. بنابر این گزارش، در آغاز بازسازی صحنه قتل، ابتدا کارآگاه حمیدفر (افسر پرونده) به تشریح خلاصه ای از محتویات این پرونده جنایی و اعترافات متهمان در بازجویی ها پرداخت و در پایان نیز قاضی با تجربه ویژه قتل عمد با صدور قرار قانونی، «کاظم-آ» را روانه زندان کرد تا بررسی های بیشتری درباره ادعاهای متهم صورت گیرد.

کلاهبرداری سایبری با فروش سوالات آزمون راهنمایی و رانندگی

توکلی- فردی که با تبلیغات و فروش سوالات آزمون راهنمایی و رانندگی ۸۰۰ میلیون ریال کلاهبرداری کرده بود دستگیر شد. فرمانده انتظامی شهرستان بافت در تشریح این خبر گفت: فردی ناشناس در فضای مجازی با عنوان فروش سوالات آزمون آیین نامه رانندگی و در اختیار گذاشتن آن ها به افراد، مبلغی پول از آنان کلاهبرداری کرده بود که کارشناسان پلیس فتا با اقدامات اطلاعاتی و بررسی های همه جانبه موفق به شناسایی کانال ها و محل فعالیت متهم در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی شدند.

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ میرافضلی افزود: کارآگاهان پلیس فتا در خارج از استان کرمان، متهم را به دام انداختند، که پس از انتقال وی به مقر انتظامی، این مجرم به کلاهبرداری ۸۰۰ میلیون ریالی از تعدادی افراد متقاضی دریافت گواهی نامه اعتراف کرد.

اولین جلسه رسیدگی مجدد به پرونده قتل میترا استاد پایان یافت

اختلاف نظر بر سر گلوله جنجالی

اولین جلسه رسیدگی مجدد به پرونده محمدعلی نجفی به اتهام قتل میترا استاد که با نقض حکم اولیه توسط دیوان عالی کشور، یک بار دیگر به شعبه ۹ دادگاه کیفری یک تهران ارجاع شده است، برگزار شد. دیوان عالی گفته بود تحقیقات پرونده ناقص است و باید نظر کارشناسی درباره نحوه شلیک گلوله ها بررسی شود. موضوع چگونگی شلیک و برخورد گلوله ها به مقتول محور اصلی اظهارات نماینده دادستان و متهم و وکلایش در جلسه دیروز دادگاه بود. به گزارش میزان، نماینده دادستان ادعای وکلای مدافع متهم در برخورد گلوله به مقتول بعد از «کمانه کردن» را با توجه به کاذب بودن سقف حمام رد کرد و گفت: «آقای نجفی در حمام پنج گلوله شلیک کرده

و گلوله اول به شکل معجزه‌آسایی از وسط بالش و بین پاهای مقتول گذشته است گلوله دوم به کابینت روشویی برخورد کرده گلوله سوم پس از برخورد به دیوار شمالی حمام به سقف کاذب و گلوله چهارم به ضلع غربی حمام و گلوله پنجم نیز به مقتول برخورد کرده است.» وی با بیان این که اقدامات محمدعلی نجفی در خصوص قتل میترا استاد برای هر یک از بزه‌های ارتکابی باید حداکثر مجازات تعیین شود، گفت: تقاضای مجازات تکمیلی برای نامبرده را دارم ضمن این که متهم مستحق هیچ گونه تخفیفی نیست. در ادامه قاضی با تفهیم اتهام به محمدعلی نجفی مبنی بر مباشرت در قتل عمدی میترا استاد از نجفی خواست توضیحات خود را بیان کند اما نجفی در دفاعیاتش ضمن انتقاد از این که به رغم تودیع وثیقه ظرف ۲۴ ساعت به زندان بازگردانده شده است، گفت: بنده بدون اراده و در حالت کشمکش بودم که این گلوله ها شلیک شد. «زاویه حرکت گلوله در بدن خیلی زیاد است و بسیار بیشتر از زاویه‌ای بود که در دست طی کرده است بنابراین نمی‌تواند یک گلوله بوده باشد لذا گلوله دیگری بوده که به سینه برخورد کرده و ما نیز همین اعتقاد را داریم که گلوله کمانه کرده، اما چون زاویه حرکت گلوله در بدن بیش از دست بوده گلوله منحرف شده است.» وکیل نجفی نیز در سخنانش تاکید کرد: تغییر مسیر گلوله مطرح است از کارشناسان می خواهیم تا جواب ما را بدهند اما ابراهیمی کارشناس اسلحه در پاسخ گفت: زمانی که گلوله خارج می‌شود به دلیل آن که در درجه گرمای شدیدی قرار دارد مانند یک آهن گداخته‌ای است که با کوچک ترین ضربه‌ای تغییر شکل می‌دهد لذا اگر این گلوله به دیوار اصابت می کرد ما انتظار داشتیم که حداقل یک طرف گلوله تغییر شکل دهد این در حالی است که گلوله‌ای که در بدن مرحوم بود تغییر خاصی نداشت؛ لذا محال است به دیوار برخورد کند.

وی ادامه داد: گلوله بعد از کف دست به قفسه سینه برخورد کرده و سپس به پهلوی چپ تغییر مسیر داده است. سرانجام قاضی محمدی کشکولی در پایان جلسه نوبت بعدازظهر رسیدگی به این پرونده، با بیان این که الزاما باید جلسه دیگری هم داشته باشیم ختم این جلسه را اعلام کرد و گفت: جلسه بعدی به روز شنبه ساعت ۹ موکول می‌شود. وی افزود: آقای نجفی هم به زندان اعزام می‌شوند.

در امتداد تاریکی

مرگ تلخ

هرگز نمی توانم لحظه غم انگیز جان دادن پسر کوچکم را فراموش کنم. دیگر تحمل این زندگی آشفته و دردناک را ندارم. گویی در عالمی زندگی می کنم که نه پای انسانی به آن رسیده نه آبی در آن جاری است و نه موجود زنده‌ای در آن وجود دارد و... این ها بخشی از اظهارات زن جوانی است که در پی مرگ مشکوک فرزند دوساله‌اش و با صدور دستوری از سوی قاضی کاظم میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) مورد بازجویی قرار گرفته بود تا زوایای پنهان ماجرای مرگ کودک خردسال مشخص شود. این زن جوان که با گذشت چند ماه از این حادثه تلخ، هنوز خودش را سرزنش می کرد پس از پاسخ به سوالات مقام قضایی، دفتر سیاه روزگارش را به سال ها قبل ورق زد و درباره سرگذشت خود گفت:

۱۷ ساله بودم که «میکائیل» به خواستگاری ام آمد اما پدرم به خاطر این که او جوانی بیکار و رفیق باز بود با این ازدواج مخالفت کرد. پدرم میکائیل را به طور کامل می شناخت و می دانست که او روزی زندگی مرا تباه می کند اما من که از چند ماه قبل به او دل باخته بودم و به طور پنهانی با یکدیگر ارتباط داشتیم هر دو پایم را در یک کفش کردم و گفتم جز با میکائیل با فرد دیگری ازدواج نمی کنم. پدرم که از اصرارهای نابخردانه و احساسی من به شدت عصبانی شده بود با چهره‌ای برافروخته خطاب به من گفت: «به جهنم که می خواهی روزگارت را سیاه کنی!» این گونه بود که من مقابل خانواده ام ایستادم و با میکائیل سر سفره عقد نشستم اما به خاطر بیکاری میکائیل روزگار سختی را می گذراندم و باید سرزنش های اطرافیانم را تحمل می کردم. بالاخره بعد از دو سال نامزدی، میکائیل با کمک پدرش منزل کوچکی که یک اتاق داشت در نزدیکی سه راه فردوسی مشهد اجاره کرد و این گونه پا به خانه بخت گذاشتم. حالا دیگر همسرم از نظارت و کنترل پدر و مادرش خارج شده بود و به طور آشکار سیگار می کشید. او همه اوقاتش را با دوستان خلافکار دوران مجردی اش می گذراند به طوری که حتی برخی شب ها را نیز در منازل دوستانش به سر می برد و من تا صبح برای آمدن او بیدار می ماندم تا این که فهمیدم همسرم قبل از ازدواج با من به مواد مخدر اعتیاد داشته و اکنون نیز همه درآمدش را صرف خرید مواد مخدر می کند. او مشاغل زیادی را تجربه می کرد ولی به دلیل عوارض ناشی از اعتیاد نمی توانست اموری را که به او محول شده بود، به درستی انجام بدهد! کارفرمایان نیز وقتی متوجه این ماجرا می شدند خیلی راحت او را اخراج می کردند و باز همسرم تا مدت ها بیکار می ماند. این در حالی بود که من پسرم را باردار بودم و باید از خودم مراقبت می کردم با وجود این میکائیل فقط به دنبال رفیق بازی بود و مسئولیتی را در زندگی احساس نمی کرد. روزگارم آشفته بود و از عهده مخارج زندگی برنمی آمدم بنابراین با کار کردن در بیرون از منزل همه تلاشم را به کار گرفتم تا به این آشفته بازار سروسامانی بدهم. بارها میکائیل را مجبور به ترک اعتیاد کردم اما او بعد از چند روز دوباره به صورت پنهانی مصرف مواد را شروع می کرد. از سوی دیگر نیز روی بازگشت به منزل پدرم را نداشتم چرا که پدرم این روزهای مرا قبل از ازدواج گوشزد کرده بود و من در دو راهی طلاق مانده بودم تا این که میکائیل قسم خورد این بار که مصرف مواد مخدر را کنار بگذارد دیگر هیچ وقت سراغ مواد افیونی نمی رود! من هم اگر چه حرف هایش را باور نمی کردم اما برای آخرین بار مبلغی را به او دادم تا به قول خودش داروی ترک اعتیاد بخرد از آن روز به بعد همسرم در خانه بود و من سر کار می‌رفتم تا این که روزی وقتی شب هنگام به خانه بازگشتم دیدم پسرم تب شدیدی دارد و دچار سرماخوردگی شده است فکر کردم با خوردن مقداری شربت خوب می شود به همین دلیل یک قاشق از شربت سرماخوردگی را که در یخچال داشتم به او دادم اما نیم ساعت بعد حال فرزندم رو به وخامت گذاشت بلافاصله او را به مرکز درمانی بردم اما فرزندم در برابر دیدگانم جان سپرد. با اظهار نظر پزشکان متوجه شدم که همسرم داروی ترک اعتیاد متادون را درون شیشه خالی شربت سرماخوردگی ریخته و آن را در یخچال گذاشته بود حالا هم خودم را در حالی در مرگ فرزندم مقصر می دانم که با یک عشق احساسی و بی توجهی به تجربه بزرگ ترها زندگی ام را به نابودی کشاندم. اما ای کاش...

ماجرای واقعی بر اساس یک پرونده قضایی

اجاره سالن در سجاد
۳۰۰ متر همکف ۴۰۰ متر اول
جهت تالار پذیرائی، رستوران، هایپرمارکت
سالن ورزشی، کلینیک پزشکی،
شرکت ها و غیره
۰۹۱۵۳۱۰۷۴۶۰
م/۹۸۱۱۱۲۹۷

فیش حج واجب و عمره
خرید - فروش - نقدی
نبش معلم ۱۳ - پلاک ۱
۰۹۱۵ ۴۵۱ ۱۱۶۸ - ۶۹
ج/۹۸۰۹۷۹۳۵

انواع کاپشن
۱۲۹ هزار تومان
کت و شلوار ۱۲۹ . شلوار لی و کتان ۶۹ تومان
بلوار پیروزی، بلوار رضوی، بین رضوی ۸ و ۱۰ فروشگاه تولیدی بزرگمهر
ر/۹۸۱۰۵۵۲۰

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی کیفی (فشرده)
نوبت اول
شرکت آب و فاضلاب روستایی استان بوشهر
شرکت آب و فاضلاب روستایی استان بوشهر در نظر دارد فراخوان تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای همزمان با ارزیابی کیفی (انجام بصورت فشرده):

عنوان پروژه	شماره فراخوان (سامانه تدارکات الکترونیکی دولت)	برآورد مالی (ریال)	مبلغ تضمین (ریال)	نوع تضمین	نوع کیفیت خدمات	رتبه و رشته مورد نظر	مهلت دریافت اسناد	مهلت ارائه اسناد	زمان بازگشایی اسناد
اجرای مخزن ۵۰۰ مترمکعبی نیمه مدفون گلستان شهرستان دشتی	۲۰۹۸۰۰۱۲۴۵۰۰۰۰۴۲	۵۷۳۷۶۳۸۸۱۶	۲۸۶۸۸۱۹۴۱	ضمانت نامه بانکی/ فیش سپرده نقدی	احداث مخزن	رتبه ۵ آب	۹۸/۰۹/۱۱	۹۸/۰۹/۲۳	۹۸/۰۹/۲۴

را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی ومناقصه عمومی از دریافت اسناد تا ارسال دعوتنامه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی در این سامانه، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه انجام دهند. تمامی مراحل بارگزاری اسناد ارزیابی کیفی وهمچنین اسناد مناقصه بصورت فشرده همزمان انجام میگردد.
سایر موارد: - مبالغ برآوردی فوق براساس فهرست بها، پایه سال ۱۳۹۸ تهیه گردیده است. - هزینه آگهی بر عهده برنده مناقصه می باشد. - متقاضیان جهت دریافت اطلاعات بیشتر می توانند در ساعات اداری با شماره تلفن های زیر تماس حاصل نموده یا به سایت اینترنتی شرکت مراجعه نمایند. - تلفن تماس ۹ - ۳۳۲۲۰۳۱۷ و ۵۱ - ۳۳۳۳۰۸۵۰ نمابر ۳۳۳۳۲۰۳۲۳ - ۰۷۷۳۳۳۲۰۳۲۳ - آدرس و سایت شرکت: بوشهر.خیابان صفوی.خیابان تنگستان www.abfar-bushehr.ir
روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب روستایی استان بوشهر
۲۰۹
ج/۹۸۱۱۱۵۳۷